

۴۳ مطالعه تطبیقی شرط ماهوی گام ابتکاری در حق اختراع

the law relating to patents of July 22, 2004.

44. United States of America patent laws, United States code, title 35 – patents as amended on August 8, 2005.
45. Wipo, **Intellectual property handbook: policy, law and use**, wipo publication No. 489 (E) 2nd ed ,2004.

د- اینترنتی

46. www.gstp.ir/Ref/PolRef.doc.
47. www.aplf.org.

بررسی تطبیقی فرض سببیت در مسئولیت قراردادی

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۲

بیژن حاجی‌عزیزی^۱

تاریخ تأیید: ۹۲/۰۴/۱۵

استادیار حقوق خصوصی دانشگاه بوعلی سینا

نگین غلامی^۲

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

در حقوق مسئولیت مدنی اعم از مسئولیت مدنی قهری و قراردادی، رابطه سببیت لازم‌الاثبات از جمله ارکان است و بنا بر قواعد کلی حقوقی، بار اثبات وجود آن بر عهده مدعی است. اما جمعی از حقوقدانان به استناد بعضی مواد قانونی، معتقدند این قاعده کلی هم مانند بسیاری از قواعد دیگر دارای استثناء است؛ بدین معنا که گاه به‌رغم ضرورت وجود رابطه سببیت، خواهان نیازی به اثبات آن ندارد؛ زیرا قانون این رابطه را در برخی موارد، موجود و مفروض پنداشته است. در این قبیل موارد بر عهده خوانده است که این رابطه مفروض قانونی را نفی کند. در غیر این صورت مسئول جبران خسارت زیان‌دیده خواهد بود. این نظر مورد مخالفت عده‌ای دیگر از حقوقدانان قرار گرفته که معتقدند رابطه سببیت برخلاف تقصیر هیچ‌گاه نمی‌تواند مفروض باشد و همواره باید توسط مدعی ورود ضرر به اثبات برسد. در مقاله حاضر نظرات مختلف در زمینه وجود فرض سببیت در مسئولیت قراردادی در حقوق ایران و بعضی کشورهای دیگر مورد پژوهش و مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مسئولیت قراردادی، رابطه سببیت، فرض سببیت، فرض تقصیر

مقدمه

مسئولیت قراردادی مسئولیت شخص متعهد به جبران خساراتی است که در اثر نقض عهد و عدم اجرای تعهد قراردادی در مهلت مقرر، به طرف دیگر عقد وارد آمده است. به تعبیر دیگر «مسئولیت قراردادی جزای اخلال در التزامات ناشی از قراردادی است که طرفین آزادانه با یکدیگر بسته‌اند و مسئولیت اثر این تعهد قراردادی است» (حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰: ۳۴).

1. Email: haji598@basu.ac.ir

2. Email: negingholami88@yahoo.com

«نویسنده مسئول»

تحقق این نوع مسئولیت علاوه بر وجود قرارداد صحیح بین طرفین، مستلزم اثبات وجود سه رکن ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت بین آن دو است. اموری که اثبات آن‌ها بر طبق قاعده «البینه علی المدعی» با مدعی است.

اما همان‌طور که می‌دانیم در حوزه مسئولیت قراردادی، قانونگذار در بعضی موارد (تعهدات غیرامانی و مثبت) تقصیر متعهد را مفروض دانسته و بر این اساس متعهدله در اثبات وجود ارکان تحقق مسئولیت متعهد، نیازی به اثبات تقصیر او که مربوط به رکن فعل زیانبار است ندارد. از آنجا که فرض تقصیر برخلاف اصول و قواعدی نظیر اصل عدم است نیاز به تصریح قانونگذار دارد. در حقوق ایران ماده ۲۲۷ قانون مدنی از جمله مصادیق وجود فرض تقصیر در مسئولیت قراردادی محسوب شده است.^۱

اکنون سؤال این است که آیا در مواردی که تقصیر مفروض دانسته شده می‌توان گفت که رابطه سببیت هم مفروض است و خواهان از اثبات رابطه سببیت بین نقض عهد و ورود خسارت معاف است و اساساً آیا خارج از مصادیق فرض تقصیر، مصادیقی از سببیت مفروض یافت می‌شود؟ این سؤالات در حقوق ایران و بعضی کشورهای عضو خانواده کامن‌لا و فرانسه مورد تحقیق قرار گرفته است که ابتدا جایگاه فرض سببیت در حقوق ایران و آن گاه سایر کشورها مطالعه خواهد شد. اما به منظور ورود به اصل بحث ضرورت دارد که با مفهوم فرض سببیت آشنا شده و آن را از اصول مشابه نظیر فرض تقصیر یا فرض مسئولیت متمایز کنیم.

۱- مفهوم فرض سببیت

شناخت مفهوم فرض مزبور متوقف به شناخت نفس رابطه سببیت است. بعضی از حقوقدانان در تعریف این رکن مسئولیت مدنی گفته‌اند: «منظور از رابطه سببیت در عالم حقوق در واقع وجود رابطه علیتی عرفی بین فعل زیانبار و ضرر می‌باشد. یعنی عرف باید بین ضرر و فعل خواننده دعوی رابطه‌ای تصور نماید به گونه‌ای که بر حسب جریان عادی امور فعلی که خواننده مرتکب شده منجر به وقوع خسارت شود» (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۲۵۹-۲۶۲).

قاعده اولیه این است که در دعاوی مسئولیت مدنی، زیان‌دیده همان‌گونه که باید ورود

۱. بند ۲ از ماده ۱۱۳ قانون دریایی نیز مصداق دیگری از فرض تقصیر در نظام حقوقی ماست. که مقرر می‌دارد: «در صورتی که فوت یا صدمات بدنی ناشی از تصادم یا به گل نشستن یا انفجار یا حریق و یا غرق شدن کشتی باشد فرض این است که حادثه بر اثر تقصیر و یا غفلت متصدی حمل و یا مأمورین مجاز او اتفاق افتاده است مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد».

ضرر به خود و فعل زیانبار خوانده را ثابت کند؛ وجود رابطه سببیت بین این دو رکن را هم باید اثبات نماید. بدون اثبات رابطه سببیت بین فعل خوانده و ورود ضرر به زیاننده، نمی‌توان مسئولیتی برای خوانده در خصوص جبران زیان وارده به خواهان قائل شد.^۱ اما بعضی معتقدند این قاعده کلی نیز دارای استثنایی به نام فرض سببیت است که در آن حالت خواهان بی‌نیاز از اثبات رابطه سببیت است و وجود این رکن توسط قانون مفروض دانسته شده است. به بیان دیگر همان‌طور که، «گاه ماهیت حادثه به گونه‌ای است که غالباً بدون اینکه واردکننده زیان تقصیری مرتکب شده باشد روی نمی‌دهد، که در این صورت «تقصیر فرض می‌شود». گاهی همین تدبیر در خصوص رابطه سببیت نیز اعمال می‌شود و زیاننده می‌تواند با استناد به نظریه «فرض رابطه سببیت» بار اثبات را از دوش خود بردارد» (بادینی، ۱۳۸۴: ۲۱۲). البته بعضاً از مصادیق فرض سببیت با عنوان فرض مسئولیت یاد می‌شود و می‌توان این دو را به نحوی مرادف با یکدیگر دانست.

۲- تمایز فرض سببیت از فرض تقصیر

مفاد فرض تقصیر این است که ارتکاب تعدی یا تفریط که مربوط به اثبات رکن فعل زیانبار است و اصولاً باید توسط خواهان به اثبات برسد را مفروض می‌داند. اما در فرض سببیت قانونگذار در شرایط خاصی ورود زیان را به عاملی منتسب می‌کند و او را سبب آن زیان می‌داند اعم از آنکه آن سبب مقصر بوده باشد یا نه. در واقع فرض تقصیر مربوط به احراز فعل زیانبار و فرض سببیت مربوط به احراز رابطه سببیت است. مضاف بر آن، فرض سببیت الزاماً به دنبال انتساب زیان به سبب مقصر نیست و به همین علت است که در صورت وجود فرض سببیت، اثبات بی‌تقصیری خوانده، نمی‌تواند این فرض قانونی را نقض کند و تنها اثبات عدم انتساب زیان به اوست که می‌تواند راهگشا باشد آن هم نه از طریق اثبات بی‌تقصیری بلکه از طریق اثبات انتساب زیان به عاملی غیر از فعل او. یعنی قوه قاهره یا فعل شخص ثالث.

۱. «رابطه سببیت از هر راهی قابل اثبات است و قاضی می‌تواند صرفاً به کمک نشانه‌ها و اماره‌های واقعه تصمیم‌گیری کند. اما در مرحله اثبات شرط حتمیت رابطه سببیت، سختگیری کمتری اعمال می‌شود. زیرا اگر احتمال کافی برای سببیت وجود داشته باشد، قضات اغلب به همین احتمال اکتفا می‌کنند. بنابراین شرط حتمیت رابطه سببیت به یک امر نسبی تبدیل می‌شود. اما نباید تصور شود که شرط حتمیت دیگر لازم نیست. زیرا تصمیم قضات صرفاً بر نشانه‌های حتمیت دخالت سببی استوار است» (ژوردن، ۱۳۸۲: ۸۱).

به‌رغم وجود تفاوت مذکور، به نظر می‌رسد بین فرض تقصیر و فرض سببیت ارتباط نیز وجود دارد و بعضاً فرض سببیت از فرض تقصیر قابل استنتاج است. بیان مطلب این است که در مواردی که قانون فرض تقصیر مقرر داشته برای اثبات خلاف آن در موارد مختلف روش یکسانی را مقرر نکرده است، در برخی موارد اثبات خلاف فرض تقصیر با اثبات رعایت احتیاط و در واقع عدم ارتکاب تقصیر ممکن است. مثل آنچه که در بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریایی مقرر شده است.^۱ اما در موارد دیگر قانون برای رد تقصیر مفروض، تنها اثبات بی‌تقصیری را کافی نمی‌داند بلکه خواننده فقط با اثبات قوه قاهره^۲، می‌تواند تقصیر مفروض را رد کند. نظیر ماده ۲۲۷ قانون مدنی در خصوص مسئولیت متعهد قراردادی. در چنین مواردی که قانونگذار به‌رغم مقرر داشتن فرض تقصیر، اثبات خلاف این فرض را تنها با اثبات قوه قاهره و نه صرفاً اثبات بی‌تقصیری ممکن می‌داند به نظر می‌رسد که به انتساب زیان به فعل خواننده هم توجه داشته که تنها راه خلاصی از مسئولیت را از طریق رد انتساب زیان به او آن هم به وسیله اثبات قوه قاهره می‌داند؛ والا اگر تنها به تقصیر توجه داشته باشد که اثبات خلاف آن یعنی عدم ارتکاب تقصیر از هر راهی می‌تواند به معافیت خواننده بینجامد و نیازی نیست برای معافیت حتماً وجود قوه قاهره اثبات شود؛ زیرا اثر عمده و انحصاری اثبات قوه قاهره به ویژه در ماده ۲۲۷ قانون مدنی انتفای رابطه سببیت است نه عدم تقصیر.

بر این مبنا می‌توان گفت در مواردی این چنینی از فرض تقصیر، فرض سببیت هم قابل استنتاج است و بدین ترتیب بین این دو ارتباط وجود دارد. پس فرض سببیت زمانی از فرض تقصیر قابل استنتاج است که قانون اثبات خلاف تقصیر مفروض را منحصر به اثبات قوه قاهره نموده باشد. البته حقوقدانان خارجی که به بیان این ارتباط پرداخته‌اند به چنین تفکیکی اشاره نکرده و به طور کلی فرض سببیت را از فرض تقصیر، قابل استنتاج می‌دانند.

۱. ماده ۱۱۳ قانون دریایی: «۱- متصدی حمل مسئول خسارات ناشی از فوت یا صدمات بدنی مسافر است مشروط

بر آنکه حادثه‌ای که منجر به ایجاد خسارت گردیده در جریان مسافرت و بر اثر غفلت و تقصیر متصدی حمل یا مأموران مجاز وی حین انجام وظیفه پیش آمده باشد. ۲- در صورتی که فوت یا صدمات بدنی ناشی از تصادم یا به گل نشستن یا انفجار یا حریق و یا غرق شدن کشتی باشد فرض این است که حادثه بر اثر تقصیر و یا غفلت متصدی حمل و یا مأمورین مجاز او اتفاق افتاده است، مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد. ۳- به استثناء بند ۲ این ماده اثبات تقصیر و یا غفلت متصدی حمل یا مأموران مجاز او به عهده مدعی است.»

۲. بعضی از حقوقدانان فعل شخص ثالث را از این حیث در حکم قوه قاهره می‌دانند (بهرامی‌احمدی، ۱۳۹۰: ۳۷۰):

(صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)؛ (ره‌پیک، ۱۳۸۹: ۷۵).

۳- بخش اول

۳-۱- جایگاه فرض سببیت در مسئولیت قراردادی در حقوق ایران

با تتبع در آثار نویسندگان و مستندات قانونی، دو دیدگاه عمده در خصوص وجود یا عدم وجود فرض سببیت در حقوق موضوعه ایران به دست می‌آید^۱: عده‌ای موافق با وجود این فرض هستند و عده‌ای دیگر مخالف وجود آن.

۳-۲- دیدگاه مخالفان

مخالفان وجود فرض سببیت معتقدند که، «هرگز نمی‌توان از فرض تقصیر متعهد وجود رابطه سببیت مزبور را استخراج کرد و فرض وجود تقصیر را نمی‌توان دلیل بر مفروض بودن وجود رابطه سببیت برای خسارت وارد بر متعهدله دانست، زیرا آنچه از فرض تقصیر متعهد برمی‌آید فرض آگاهی متعهد از اقدام خویش در جهت عدم انجام تعهد است. در حالی که اماره سببیت فرض ارتباط خودداری از انجام تعهد به گونه سببیت، نسبت به ورود خسارت به متعهدله می‌باشد و این دو با هم ملازمه ندارند. ممکن است تقصیر یعنی آگاهی او بر عمل خودداری از انجام تعهد مفروض باشد اما اینکه خودداری از انجام تعهد، سبب ورود خسارت بر متعهدله بوده است ثابت و مفروض نباشد. به عبارت دیگر آنچه در این رابطه سببیت مورد توجه است، سبب بودن خودداری از انجام تعهد برای ورود خسارت است و آنچه شرط مسئولیت است، ارتباط اراده او با آن خودداری تقصیر اوست. بنابراین با قبول فرض تقصیر متعهد، باید سببیت خودداری او از انجام تعهد (هر چند که همراه با تقصیر باشد) برای ورود خسارت اثبات گردد ...» (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۶۵).

این عده همچنین به بعضی مواد قانونی استناد می‌کنند. از جمله ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ که مقرر می‌داشت: «... در صورتی دادگاه حکم خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده و این ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا عدم تسلیم محکوم‌به بوده است ...». این حکم توسط ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مورد تأیید قرار گرفته است: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت کند که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است؛ در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد». همچنین معتقدند که از این موارد لزوم اثبات رابطه سببیت در مسئولیت قراردادی به

۱. اگر چه تعداد کمی از حقوقدانان در این خصوص اظهار نظر کرده‌اند.

روشنی قابل استنباط است و آنچه در مسئولیت قراردادی مفروض است تقصیر می‌باشد و نه رابطه سببیت (یزدانیان، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

با توجه به صراحتی که در این ماده در خصوص لزوم اثبات رابطه سببیت توسط خواهان وجود دارد شاید به نظر برسد که دیگر جایی برای بحث در خصوص فرض سببیت در مسئولیت قراردادی در حقوق ایران وجود ندارد. اما در عین حال می‌توان چنین تحلیل کرد که اولاً، جای بحث در خصوص مسائل ماهوی حقوق مدنی در قانون مدنی است. پس مفاد این قانون را باید ملاک قرار داد. حتی اگر این استدلال را نپذیریم و مواد ۲۲۷ قانون مدنی و ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی را چنین جمع کنیم که در ماده ۲۲۷ قانون مدنی برای متعهد فرض تقصیر شده ولی مطابق ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان مکلف به اثبات رابطه سببیت می‌باشد با این استدلال خواهان را عملاً مجبور به اثبات تقصیر هم کرده‌ایم. زیرا اثبات رابطه بین دو امر مستلزم اثبات دو طرف این رابطه است و برای اثبات رابطه سببیت بین تقصیر و ورود زیان خواهان ناگزیر خواهد شد تقصیر متعهد را نیز ثابت کند. به این ترتیب صحبت از وجود فرض تقصیر و معافیت خواهان از اثبات آن تنها در نظریات وجود دارد و عملاً خواهان در جریان اثبات رابطه سببیت مجبور به اثبات خطا نیز خواهد شد و بنا به گفته یکی از حقوقدانان آنچه را که با دست راست به او داده‌ایم با دست چپ از او می‌گیریم (سنه‌وری، ۱۹۹۸: ۱۱۳۹).

تحلیل برخی از حقوقدانان از فرض سببیت چنین است: «از نظر تحلیلی برای اینکه فعل مدیون به اضرار انجامد و ورود خسارت به او منسوب شود دو رابطه سببیت لازم است: ۱- بین فعل مدیون و انجام نشدن قرارداد؛ ۲- بین انجام نشدن قرارداد و ورود ضرر. اثبات رابطه دوم با مدعی ورود ضرر است. او باید نشان دهد که خسارت مورد مطالبه ناشی از نقض قرارداد است و رابطه عرفی میان دو پدیده چنان است که باید گفت عدم انجام قرارداد سبب ورود ضرر است. به همین جهت احراز این رابطه را به استقلال در زمره شرایط ایجاد مسئولیت می‌آوریم. ولی نخستین رابطه، مبتنی بر یک اماره قانونی است. قانونگذار فرض می‌کند هر جا قراردادی انجام نشود مستند به فعل مدیون است مگر اینکه او بتواند آن را به حادثه خارجی و احترازناپذیر منسوب سازد و بدین وسیله تقصیر مفروض را از خود دفع کند.

بنابراین قوه قاهره از مسائل مربوط به «تقصیر قراردادی» است. فرض قانون در صورتی است که موضوع تعهد وصول به نتیجه معین باشد یعنی به طور قطع بتوان گفت قرارداد اجرا نشده است. جایی که مفاد تعهد محدود به کوشش و تمهید مقدمه است نرسیدن به نتیجه

مطلوب دلیل عدم اجرای عقد نمی‌شود؛ چرا که موضوع تعهد نبوده است. پس ناچار باید اثبات شود که وفای به عهد نشده است. این اقدام در واقع احراز تقصیر متعهد است که بر عهده طلبکار قرار می‌گیرد و دیگر جایی برای ایجاد فرض قانون و لزوم اثبات خلاف آن باقی نمی‌گذارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

با دقت در این دیدگاه متوجه می‌شویم اینکه گفته شود رابطه سببیت بین عدم انجام تعهد و اراده مدیون مفروض است ولی خواهان ملزم به اثبات رابطه سببیت بین عهدشکنی و ورود ضرر باشد از نظر تحلیلی به نفی فرض سببیت به معنای واقعی منجر می‌شود. چون رابطه بین عهدشکنی و اراده متعهد که قسمی از رابطه سببیت معرفی شده همان طور که بدان تصریح هم شده همان مفهوم تقصیر است و مفروض بودن این قسم از رابطه سببیت به معنای مفروض بودن تقصیر است. در خصوص رابطه سببیت بین عهدشکنی و ورود ضرر هم که گفته شده باید به اثبات برسد و مفروض نمی‌باشد. پس عملاً جایی برای پذیرش فرض سببیت، به معنایی که قبلاً تعریف شده، در این دیدگاه باقی نمی‌ماند.

۳-۳- دیدگاه موافقان

بین آثار نویسندگان داخلی بعضی به صورت صریح (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۰۵)؛ و بعضی به صورت ضمنی (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۲۵۳)، به مفروض بودن رابطه سببیت در مسئولیت قراردادی اذعان داشته‌اند. اگر چه در پاره‌ای مصادیق به تحلیل آن نپرداخته و به اختصار از آن گذشته‌اند و بعضاً تنها به مفروض بودن آن اشاره داشته‌اند (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۱۳۹). به عنوان مثال یکی از نویسندگان در خصوص اثبات رابطه سببیت در مسئولیت قراردادی چنین می‌نویسد: «در مسئولیت مدنی خارج از قرارداد اثبات رابطه سببیت با خواهان یا زیان‌دیده است ولی در مسئولیت‌های قراردادی کافی است خواهان در صورت عدم اجرای قرارداد، ورود زیان ناشی از عدم اجرا را ثابت کند و در این صورت متعهد زمانی از پرداخت خسارت معاف می‌شود که ثابت کند عدم اجرای قرارداد در نتیجه قوه قاهره بوده یعنی رابطه سببیت بین عدم اجرای قرارداد با او برقرار نمی‌شود و در این مورد فرقی بین تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله وجود ندارد، آنچه موضوع تعهد است باید اجرا شود جز در صورت وجود قوه قاهره» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

عده‌ای دیگر مسئولیت مندرج در ماده ۲۲۷ قانون مدنی را از نوع مسئولیت محض دانسته و متخلف از اجرای تعهد را به مجرد اینکه نتواند قوه قاهره را به اثبات رساند محکوم به پرداخت

خسارت می‌داند (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵: ۹۹). حقوقدانان دیگر نیز با محض دانستن مسئولیت قراردادی معتقدند که رابطه سببیت در این زمینه مفروض است و اثبات وجود قوه قاهره می‌تواند این فرض قانونی را از بین ببرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

۳-۴- دیدگاه نگارندگان

به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۲۲۷ قانون مدنی که یک قاعده عام در حوزه مسئولیت قراردادی است در حقوق ایران فرض سببیت در این حوزه پذیرفته شده است و جایگاه قانونی دارد. اما اینکه آیا فرض سببیت فقط در کنار فرض تقصیر می‌تواند وجود داشته باشد یا جدای از آن نیز وجود دارد؛ موضوعی است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. در این قسمت، وجود فرض سببیت در مسئولیت قراردادی را در هر دو صورت (اعتقاد به وجود فرض تقصیر در ماده ۲۲۷ ق.م. و نیز عدم اعتقاد به وجود آن) مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- اگر در صورت عهدشکنی معتقد به وجود فرض تقصیر برای متعهد قراردادی باشیم، آن گونه که بعضی معتقدند این مطلب در ماده ۲۲۷ ق.م. مفروض است می‌توان از این فرض قانونی، فرض دیگری به نام فرض سببیت را هم استنتاج کرد. بدین بیان که اولاً، قانونگذار عدم انجام تعهد را تقصیر دانسته و در عین حال ناقص تعهد را مسئول جبران خسارت متعهدله می‌داند، در واقع فعل زیانبار یا همان تقصیری که از دید قانونگذار محقق است را سبب ورود زیان دانسته و متعهد را مسئول جبران آن می‌داند. در غیر این صورت صرف ارتکاب تقصیر از سوی شخص در صورتی که سبب ورود زیان به دیگری نشده باشد از نظر مدنی نمی‌تواند برای مقصر، مسئولیت‌زا باشد. در حقیقت قانونگذار به این دلیل متعهد عهدشکن را مسئول جبران زیان می‌داند که به محض عدم انجام تعهد برای او فرض تقصیر مقرر داشته است و همین، تقصیر مفروض او را سبب ورود زیان دانسته است، لذا او را مسئول جبران خسارت متعهدله می‌داند. مگر اینکه متعهد بتواند با اثبات انتساب عدم اجرای قرارداد به عامل خارجی این فرض و به تبع فرض تقصیر را رد کند. ثانیاً، اگر دقت شود قانون، راه منحصر اثبات خلاف و فرار از مسئولیت را در اثبات قوه قاهره می‌داند و این در حالی است که تأثیر اساسی اثبات قوه قاهره انتفای رابطه سببیت است و گرنه اثبات خلاف فرض تقصیر با اثبات عدم تقصیر و رعایت احتیاط و دقت محقق می‌شود و نیازی به اثبات قوه قاهره نیست. پس از فرض تقصیر متعهد فرض سببیت او نیز قابل استنتاج است و بدین ترتیب این دو فرض با یکدیگر در ارتباطند.

۲- تحلیل دیگری که در جهت اثبات فرض سببیت در مسئولیت قراردادی و با توجه به ماده ۲۲۷ می‌توان ارائه کرد این است که اگر معتقد باشیم در مسئولیت قراردادی، تقصیر به معنای ارتکاب تعدی یا تفریط نیست بلکه صرف عهدشکنی، تقصیر است دیگر جایی برای مفروض دانستن تقصیر باقی نمی‌ماند. زیرا عهدشکنی متعهد باید احراز شود و احراز آن، همان احراز تقصیر متعهد است. این است که اگر معتقد باشیم در مسئولیت قراردادی، تقصیر به معنای ارتکاب تعدی یا تفریط نیست بلکه صرف عهدشکنی، خود تقصیر تلقی می‌شود دیگر جایی برای مفروض دانستن تقصیر باقی نمی‌ماند. زیرا عهدشکنی متعهد باید احراز شود و احراز آن، یعنی احراز تقصیر متعهد. پس اتفاقاً در مسئولیت قراردادی، عبارات ماده ۲۲۷ قانون مدنی به معنای مقرر داشتن فرض تقصیر برای متعهد نیست بلکه به معنای فرض سببیتی است که قانونگذار برای متعهد در نظر گرفته و او را مسئول جبران زیان طرف قرارداد می‌داند. به عبارتی، وقتی از نظر قانونگذار با عهدشکنی متعهد، تقصیر و به عبارتی فعل زیانبار از جانب او محقق شده و به دنبال آن، او مسئول جبران زیان متعهدله می‌شود؛ می‌توان نتیجه گرفت قانونگذار این عهدشکنی را سبب ورود زیان به متعهدله دانسته و از این روست که متعهد را مسئول جبران خسارت طرف قرارداد می‌داند. مگر اینکه او با اثبات دخالت عامل خارجی و احترازناپذیر، انتساب زیان به خود و به عبارتی اماره سببیت را نفی کند و بدین ترتیب نشان دهد که فعل زیانباری مرتکب نشده و نمی‌توان نام این عدم اجرای تعهد را عهدشکنی^۱ نامید. با پذیرش این دیدگاه می‌توان به گونه‌ای منطقی حکم موجود در دو ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ را توجیه نمود مبنی بر اینکه چرا نامی از تقصیر برای تحقق این مسئولیت نیامده است و نیز چرا برای برائت از مسئولیت اثبات بی‌تقصیری متعهد در عدم انجام تعهد کفایت نمی‌کند بلکه باید عدم اجرا منتسب به عامل خارجی و قاهره شود. در واقع پاسخ همه این سؤالات در فرض سببیتی است که قانونگذار برای متعهد مقرر داشته و از مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی قابل استنتاج است.

پس به طور خلاصه می‌توان گفت چه معتقد به وجود فرض تقصیر برای متعهد باشیم و چه این فرض را نپذیریم، در هر دو صورت فرض سببیت از مواد مذکور قابل استنتاج است.

۱. توضیح آنکه عدم اجرای تعهد و عهدشکنی متفاوت از هم هستند. عهدشکنی زمانی مصداق می‌یابد که اراده مدیون در عدم اجرای تعهد دخالت داشته باشد ولی عدم اجرای تعهد معنای عام‌تری داشته و شامل مواردی هم که بر اثر عواملی خارج از اراده مدیون انجام تعهد غیرممکن است، می‌شود (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۴۶).

۴- بخش دوم

۴-۱- فرض سببیت در حقوق خارجی

۴-۱-۱- حقوق کانادا (ایالت کبک)

در خصوص صدماتی که در اثر تقصیرهای پزشکان و پرستاران بر بیماران وارد می‌شود در برخی آرای صادره در رویه قضایی خارجی، فرض سببیت مورد پذیرش قرار گرفته و بدان استناد شده است. هر چند در مورد پذیرش این فرض در چنین مواردی بین قضات و حقوقدانان در این کشورها اختلاف نظر وجود دارد.

از جمله مواردی که در آن فرض سببیت پذیرفته شده رأی دادگاه عالی ایالت کبک کانادا در پرونده لاوسن علیه لافریر^۱ است. این پرونده مربوط به زنی است که دچار سرطان سینه خوش‌خیم شده ولی پزشک او این بیماری را تشخیص نداده است، تا اینکه بیماری به مراحل حاد و پیشرفته خود می‌رسد. زن علیه پزشک معالج خود طرح دعوا می‌کند، با این ادعا که اگر در مراحل اولیه بیماری به درستی تشخیص داده می‌شد او اقدامات لازم برای پیشگیری از وخامت و پیشرفت بیماری را انجام می‌داده است. زن بیمار در جریان رسیدگی بر اثر بیماری فوت می‌کند و دعوا توسط نماینده او پیگیری می‌شود.

در مقابل پزشک معالج ادعا می‌کند که تشخیص و عدم تشخیص او در اصل موضوع تفاوتی ایجاد نمی‌کرده چرا که بیماری به وجود آمده بوده و در هر حال قصور او در تشخیص درست بیماری سبب پیشرفت بیماری و در نهایت مرگ بیمار نبوده است.

در نهایت قاضی دادگاه چنین استدلال می‌کند: «در برخی موارد که قصور فرد باعث ایجاد خطری آشکار برای دیگری شود و چنین خطری مسلم و نمودار باشد، می‌توان رابطه سببیت را مفروض دانست مگر اینکه دلالت‌هایی خلاف آن وجود داشته باشد» (kouri, 2001: 223).

در پی صدور این رأی آرای دیگری نیز در خصوص سوء درمان بیماران در ایالت کبک کانادا صادر شد که در آن‌ها برای پزشک متخصص فرض سببیت مقرر داشته‌اند از جمله در سال ۱۹۹۷ در پرونده پارت علیه پاولین^۲ و نیز در پرونده منویل علیه شهرک سلامتی لاول^۳ که در پرونده اخیر منویل بیماری بود که به دلیل بیماری‌اش تحت عمل جراحی قرار گرفت و در پی این عمل به او سوند وصل شد. بعد از مدتی که پزشک جراح او دستور برداشتن سوند را داد یکی از دانشجویان

1. Lawson v. Laferrrière

2. Prat v. Poulin

3. Mainville v. Cité de la Santé de Laval

پرستاری که تحت نظر سرپرستار فعالیت می‌کرد اقدام به برداشتن سوند کرد که نتوانست آن را بردارد و در پی بدتر شدن وضع بیمار و درد کشیدن او، سرپرستار اقدام به برداشتن سوند کرد. به هر حال بیمار دچار مشکل میزنای شده و ناگزیر تحت درمان مجدد قرار گرفت.

در پی طرح دعوایی که بیمار علیه بیمارستان کرد دادگاه اعلام نمود که پرستار در برداشتن سوند مرتکب تقصیر شده و چون مشکل میزنای می‌تواند بر اثر سوند به وجود آمده باشد و پرستار هم در جریان برداشتن سوند مرتکب تقصیر شده است. پس با اثبات عدم وجود سببیت در این زمینه بر عهده بیمارستان است، که با اثبات اینکه پرستار بر طبق معیارهای متعارف عمل کرده و مرتکب تقصیری نشده و دلیل مشکل بیمار عوامل خارجی دیگری بوده است که به بیمارستان مربوط نمی‌شود؛ فقدان سببیت مفروض را اثبات کند.

البته در پرونده‌های دیگری قضات دادگاه وجود فرض سببیت را نپذیرفته‌اند و اثبات رابطه سببیت را بر عهده خواهان می‌دانند. از جمله در پرونده استجین علیه دکتر مرشر^۱ که در آن خواهان بر اثر تصادف رانندگی به بیمارستان برده می‌شود. پزشک معالج وجود شکستگی در دو پای او و نیز ورود جراحاتی به سر و شکم را تشخیص می‌دهد و به‌رغم آزمایش ایکس ریس^۲ مورد مشکوکی را نشان نمی‌دهد ولی چون بیمار از درد کمر رنج می‌کشید پزشک احتمال شکستگی در مهره D7 را می‌دهد و این امر را در گزارش خود می‌نویسد و به متخصص ارتوپدی که برای معالجه بیمار حاضر شده بود، می‌دهد. متخصص ارتوپد در خصوص شکستگی پاها اقدامات لازم را انجام می‌دهد و در ویزیت بعدی بیمار، چون او همچنان از درد پشت می‌نالید احتمال آسیب دیدگی عصب سیاتیک او را می‌دهد. بعد از مدتی علائم فلج در بیمار نمودار می‌شود و با آزمایشات بیشتر معلوم می‌شود که دو مهره D8 و D9 بیمار شکسته و دچار آسیب فشرده‌گی نخاعی شده که اکنون موجب فلج دائم او شده است.

در پی این امر، استجین علیه پزشک متخصص طرح دعوا می‌کند و دادگاه بدوی اعلام می‌کند؛ نه تنها تقصیری به پزشک منتسب نیست بلکه خواهان در این دعوا رابطه سببیت بین فلج شدن خود و تقصیر پزشک را ثابت نکرده است. دادگاه تجدیدنظر به‌رغم پذیرش نتیجه حکم دادگاه بدوی که همان عدم استحقاق خواهان نسبت به جبران خسارت او توسط پزشک متخصص است، اعلام می‌دارد که اتفاقاً خوانده در این پرونده تقصیرهای متعددی مرتکب شده است، اما هیچ‌کدام از این تقصیرات سبب فلج خواهان نشده‌اند و اگر خواهان مدعی سببیتی در

1. St-Jean v. Dr Mercier

2. X-rays

این زمینه است باید آن را اثبات کند و قواعد سنتی و متعارف مسئولیت و لزوم اثبات رابطه سببیت نباید کنار گذاشته شوند.

به این ترتیب دادگاه در این پرونده به‌رغم قبول ارتکاب تقصیر از جانب پزشک، بار اثبات رابطه سببیت بین این تقصیر و ضایعه وارده را بر عهده خواهان می‌نهد و قاضی این پرونده در این مورد فرض سببیت را نمی‌پذیرد^۱ (kouri, 2001: 220).

۴-۱-۲- حقوق انگلیس و امریکا

زمینه دیگری که فرض سببیت در آن جای بحث دارد حوزه تولیدات صنعتی و پزشکی و آرایشی و ... است. امروزه مسئولیت تولیدکننده و خسارات ناشی از تولیدات خوراکی و صنعتی و بهداشتی خود به صورت شاخه‌ای مستقل از حقوق مسئولیت مدنی درآمده که قواعد خاص خود را دارد. یکی از مهم‌ترین دلایل تدوین قواعد خاص در این زمینه حمایت از زیاندیدگان در برابر تولیدکنندگانی است که اثبات تقصیر آن‌ها برای زیاندیدگان بسیار دشوار و بعضاً غیرممکن بود. نظام سنتی مبتنی بر تقصیر نمی‌توانست جوابگوی بسیاری از نیازهای دنیای امروز باشد. از این رو در حقوق کشورهای مختلف بر اساس این نیاز روزافزون به تدوین مقررات حقوقی جداگانه در این زمینه پرداخته‌اند. دلیل اصلی ناکارآمدی نظام مسئولیت مبتنی بر تقصیر و نگاه خاص به این حیطه از مسئولیت، دشواری اثبات ارکان مسئولیت خصوصاً اثبات تقصیر و رابطه سببیت است. بر این مبنا از جمله تمهیداتی که برای حمایت از زیاندیدگان اندیشیده شده این است که، در قوانینی که در این زمینه در بسیاری از کشورها تدوین شده از مسئولیت مبتنی بر تقصیر اعراض شده و به نظام مسئولیت محض روی آورده‌اند و به این ترتیب بار سنگین اثبات تقصیر را از دوش زیاندیدگان برداشته‌اند.

به عبارتی می‌توان گفت در خصوص مسئولیت ناشی از تولید، مسئولیت محض تولیدکننده به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. همان‌طور که در قسمت قبل هم اشاره شد در

۱. علاوه بر نمونه آرای که در آن‌ها به فرض سببیت در موضوع سوء درمان تصریح شده است و به برخی از آن‌ها در بالا اشاره شد، برخی از حقوقدانان خارجی نیز به بررسی پذیرش وجود چنین فرضی در حقوق کشورهای مختلف غربی پرداخته‌اند. در این پژوهش آمده که کشورهای مختلف نظیر آلمان و اسپانیا، امریکا و انگلیس در مورد زیان‌های ناشی از درمان در جایی که تقصیری به پزشک معالج نسبت داده شود سببیت او را هم در چنین مواردی مفروض می‌دانند و اثبات خلاف فرض مذکور را بر عهده پزشک معالج قرار می‌دهند. همچنین است در مواردی که تقصیر پزشک مفروض باشد، این سببیت در جایی مفروض است که پزشک مرتکب تقصیری فاحش شده یا زیان وارده بر بیمار نتیجه معمول و متعارف ارتکاب تقصیر از سوی پزشک باشد. در چنین مواردی بار اثبات اینکه تقصیر ارتكابی سبب زیان وارد بر بیمار نبوده بر عهده پزشک قرار می‌گیرد (Magnus, Micklitz, 2004: 31).

مسئولیت‌های محض اتفاقاً اثبات رابطه سببیت از اهمیت بسیاری برخوردار است و زیان‌دیده باید ورود زیان و رابطه سببیت بین زیان وارده و فعل مسئول را اثبات کند.

یکی دیگر از تمهیداتی که به نظر می‌رسد در جهت حمایت از زیان‌دیدگان بتوان بدن متوسل شد برقراری فرض سببیت برای تولیدکننده است. البته با توجه به اقبالی که در قوانین کشورها به پذیرش مسئولیت محض در این خصوص نشان داده‌اند، این نظر چندان مورد توجه قرار نگرفته و در برخی موارد به صورت محدود بدن اشاره شده است.

در حقوق کامن‌لا از جمله مواردی که وجود یا عدم وجود این فرض در آن مورد بحث قرار گرفته شده است، حوزه تولیدات صنعتی و پزشکی و دارویی است و وظیفه‌ای که تولیدکنندگان این نوع کالاها در ارائه هشدار به مصرف‌کنندگان دارند.

توضیح اینکه در حقوق کامن‌لا قاعده‌ای با عنوان «بخوان و توجه کن» «READ AND HEED» وجود دارد مبنی بر اینکه تولیدکنندگان داروها و وسایل پزشکی و دارویی وظیفه دارند که هشدارهای لازم را در خصوص خطرات و زیان‌های استفاده از دارو یا وسیله موردنظر، بر روی آن درج کنند و در صورتی که چنین کردند بعد از آن دیگر بابت زیان‌هایی که به استفاده‌کننده وارد می‌شود مسئول نیستند. مگر اینکه زیان‌دیده بتواند رابطه سببیت بین زیان وارد بر خود و استفاده از آن دارو یا وسیله را اثبات کند. با توجه به اینکه قاعده مذکور قاعده‌ای است که به نفع تولیدکنندگان وسایل و داروهای پزشکی می‌باشد، آن‌ها را بری از مسئولیت می‌داند مگر اینکه زیان‌دیده تمام ارکان مسئولیت نسبت به آن‌ها را اثبات کند. گفته شده است در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان هم می‌توان قاعده‌ای ایجاد کرد که بنا بر آن قاعده در صورتی که، تولیدکنندگان مذکور هشدارهای لازم را در خصوص خطرات احتمالی ندهند، مسئول زیان‌های وارد بر مصرف‌کنندگان خواهند بود. مگر اینکه بتوانند به نحوی عدم وجود رابطه انتسابی بین مصرف دارو و زیان وارده را اثبات کنند. همان‌طور که می‌بینیم این قاعده، عکس قاعده گفته شده است و متضمن مقرر داشتن فرض سببیتی می‌باشد که به موجب آن در صورت عدم ارائه هشدارهای لازم در خصوص مصرف دارو، تولیدکننده مسئول زیان وارده به مصرف‌کننده خواهد بود، مگر اینکه بتواند رابطه انتسابی مفروض را به گونه‌ای نفی کند. البته باید توجه داشت برخی دادگاه‌ها معتقدند فرض مذکور تنها در جایی به ضرر تولیدکننده به وجود می‌آید که هیچ‌گونه خطاری به مصرف‌کنندگان نداده باشد. در مواردی که اخطار داده شده ولی زیان‌دیده مدعی ناکافی بودن آن است خود باید برای ادعایش دلیل بیاورد و فرضی در این خصوص به ضرر تولیدکننده وجود ندارد.

دلایلی که برای مقرر داشتن چنین فرض ذکر شده این است که بدین وسیله تولیدکنندگان کالاها تشویق و تحریک می‌شوند که تمامی خطرات سوئی که کالای تولیدشده ممکن است بر سلامتی انسان داشته باشد را اخطار دهند و با صداقت بیشتری با مصرف‌کنندگان برخورد کنند. همچنین وجود چنین فرض می‌تواند به تحقق عدالت هم کمک کند. چون در بسیاری از موارد اثبات رابطه سببیت می‌تواند بسیار مشکل باشد. البته این استدلال‌ها و دلایلی که برای وجود این فرض ذکر شده مورد مناقشه عده‌ای دیگر از حقوقدانان قرار گرفته است. با این وجود بسیاری از دادگاه‌ها در کشورهای تابع نظام کامن‌لا خصوصاً در ایالات مختلف کشور آمریکا به اعمال و اجرای آن مشتاق‌اند (Bohmholdet, 2003: 470).

از جمله مواردی که دادگاه‌ها از این فرض استفاده کرده‌اند در پرونده کافمن علیه کین کروپ^۱ بوده که در ایالت نیوجرسی آمریکا مطرح شده است. موضوع این پرونده که در آن به طور مفصل در خصوص فرض سببیت اظهار نظر شده و مورد متابعت دادگاه‌های دیگری هم قرار گرفته در مورد دعوایی است که در آن کافمن که الکتریسیته یک ناو بوده علیه شرکت کین کروپ که تولیدکننده قطعاتی متشکل از پنبه نسوز بوده طرح دعوا می‌کند. بر این مبنا که شرکت مذکور در خصوص تأثیرات سوئی که استفاده از وسایل حاوی چنین ماده‌ای می‌تواند بر سلامتی انسان بگذارد هیچ‌گونه اخطار و هشدار نداده است. دادگاه در این پرونده «فرض توجه» «heeding presumption» را در جهت معکوس کردن بار اثبات رابطه سببیت اعمال کرد و اثبات عدم وجود رابطه سببیت را بر عهده خواننده گذاشت (Bohmholdt, 2003: 468). به هر حال، همان‌طور که گفته شد بین دادگاه‌ها رویه واحدی در خصوص پذیرش یا رد این فرض وجود ندارد و نویسندگان حقوقی هم نقدهایی بر آن وارد و با ارائه استدلال‌هایی آن را رد کرده‌اند (Lewis, 2008). آنچه که از کتاب‌های مربوطه و مقالات به دست می‌آید این است که در حقوق کامن‌لا هم مانند حقوق ایران، نویسندگان بیشتر بر ضرورت اثبات رابطه سببیت توسط خواهان تأکید کرده‌اند و ضرورت وجود این رابطه و اثبات آن توسط خواهان امری است که به عنوان اصل پذیرفته شده است. فرض سببیت استثنایی است که در برخی موارد دادگاه‌ها آن را می‌پذیرند که البته رویه واحدی در خصوص پذیرش یا رد آن وجود ندارد (Yeat, Giliker, Luckham, 2005); (Young, Faure, Fenn, 2004). البته در انگلیس، بخش نخست قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۹۸۷ که از اول

1. Coffman v. Keene Corp

مارس ۱۹۸۸ اجرا شد، بر همین پایه و به دلیل هماهنگ شدن با طرح نمونه جامعه اروپا تنظیم گردید و مسئولیت محض یا مستقیم تولیدکننده را در برابر زیان‌های ناشی از محصول معیوب مقرر داشت و عامل تقصیر را در دعوای جبران خسارت حذف کرد. در حقوق کشورهای دیگر نظیر هلند، آلمان و فرانسه نیز به تأسی از قانون نمونه اروپا برای تولیدکننده مسئولیت محض مقرر شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

استفاده از فروض قانونی نظیر فرض سببیت در مورد مسئولیت تولیدکنندگان در مقایسه با مسئولیت محض برای آنان می‌تواند محاسنی داشته باشد. از جمله محاسن آن، این است که بار مسئولیت تولیدکننده را سبک‌تر می‌سازد و به او این امکان را می‌دهد که با اثبات عدم وجود رابطه سببیت بین جریان تولید و ضرر وارده با هر دلیلی و نه صرفاً با اثبات وجود قوه قاهره از مسئولیت برهد. در حالی که در مسئولیت محض تنها با اثبات وجود قوه قاهره می‌تواند از مسئولیت معاف شود، به عبارتی آزادی عمل بیشتری در جریان اثبات به تولیدکننده می‌دهد.

۴-۱-۳- حقوق فرانسه

فرض سببیت به صورت شفاف در قانون مدنی فرانسه مطرح نشده است و آنچه که بیان می‌شود دیدگاه‌های رویه قضایی است که در آثار بعضی نویسندگان منعکس گردیده است. یکی از حقوقدانان فرانسوی در خصوص فرض سببیت چنین می‌نویسد: «رویه قضایی با این هدف که کار زیان‌دیده را در زمینه اثبات آسان کند، چند فرض سببیت را پذیرفته است. دلیل آن این است که یا اوضاع و احوال خسارت، احتمال وجود رابطه سببیت را ایجاد می‌کند یا اینکه همین اوضاع و احوال، اثبات رابطه سببیت را بسیار دشوار می‌گرداند. یکی از این فرض‌ها بسیار کلی است زیرا به مسئولیت قراردادی مربوط می‌شود. در صورت عدم اجرای یک تعهد به نتیجه، متعهدله زیان‌دیده، اغلب از بار اثبات رابطه سببی میان تقصیر - یعنی عدم اجرای قرارداد - و خسارت معاف است. به طور کلی اگر وجود خسارت و شرایطی که در چارچوب آن خسارت به بار آمده است و به همراه آن محتوای خسارت به اثبات برسد، همین برای فرض سببیت و عدم اجرای قرارداد کافی است» (ژوردن، ۱۳۸۲: ۸۲). همچنین «رویه قضایی فرانسه در خصوص قرارداد حمل مسافر، نه تنها متصدی حمل را ضامن ایمنی و سلامت مسافرین می‌داند، بلکه مسئولیت متصدی حمل متضمن فرض انتساب خسارت بدنی به وسیله نقلیه و در نتیجه به اعمال متصدی حمل نیز می‌باشد. بدین ترتیب هنگامی که مسافری در خلال سفر مصدوم و متحمل خسارتی بدنی می‌شود نه تنها نیازی به اثبات خطای متصدی حمل ندارد بلکه به هیچ روی محتاج اثبات

رابطه سببیت بین خسارت و عمل متصدی یا نقص وسیله و حتی دخالت شیء ای از اشیاء مربوط به وسیله نقلیه در بروز خسارت هم نمی‌باشد» (صالحی‌راد، ۱۳۷۷)، دیوان عالی فرانسه نیز در برخی آراء خود، وجود چنین فرضی را پذیرفته است (ژوردن، ۱۳۸۶: ۱۰۱).^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث طرح شده در محورهای پیشین پژوهش حاضر و در مقام نتیجه‌گیری می‌توان چنین اظهار داشت که، ضرورت وجود رابطه سببیت به منظور تحقق مسئولیت مدنی قراردادی اگر چه قاعده و اصل است اما در حقوق ایران با استناد به ماده ۲۲۷ ق.م.فروض است.

با توجه به مفهوم خاص تقصیر در مسئولیت قراردادی که در عهدشکنی متبلور می‌شود، به صرف عدم انجام تعهد، رکن فعل زیانبار محقق است و دیگر جایی برای مفروض گرفتن تقصیر باقی نمی‌ماند. چرا که اساساً برای تحقق مسئولیت قراردادی ارتکاب تعدی یا تفریط آن گونه که در مسئولیت قهری یا کیفری لازم است ضرورتی ندارد. همان‌طور که اثبات عدم ارتکاب تقصیر در معنای متعارف هم نمی‌تواند معاف‌کننده باشد. بلکه آنچه موادی نظیر مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م. در حقوق ایران مقرر می‌دارند فرض انتساب زیان وارده به عهدشکنی متعهد می‌باشد یعنی همان فرض سببیت. البته در صورتی که فرض موجود در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ را فرض تقصیر بدانیم باز هم فرض سببیت از آن قابل استنتاج خواهد بود. چرا که تقصیر زمانی می‌تواند مسئولیت‌زا باشد که سبب ورود زیان شده باشد و وقتی قانونگذار با مقصر فرض کردن شخص او را مسئول جبران زیان خواهان می‌داند این به معنای آن است که تقصیر فرد را سبب ورود زیان دانسته است. در غیر این صورت مقرر داشتن فرض تقصیر کمکی به خواهان نمی‌کند. وانگهی قانون در ماده ۲۲۷ ق.م. اثبات خلاف فرض تقصیر را منحصر در اثبات قوه قاهره نموده و با عنایت به اینکه اثبات قوه قاهره، نفی کننده رابطه سببیت است؛ این مطلب قرینه قانونی است مبنی بر اینکه ماده ۲۲۷ ق.م. سببیت را مفروض دانسته است. پس چه فرض موجود در مواد مذکور را فرض تقصیر بدانیم یا ندانیم در هر دو صورت فرض سببیت از این مواد استنتاج می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت در ماده ۲۲۷ قانون مدنی برای متعهد فرض مسئولیت شده است.

مطالعه تطبیقی در حقوق کشورهای محل بحث نشان می‌دهد که در کشور کانادا (ایالت کبک) اثبات رابطه سببیت یک قاعده عام است اما در رویه قضایی در حوزه امور پزشکی

۱. برخی از حقوقدانان مصری نیز به تاسی از حقوقدانان فرانسه به بررسی این موضوع پرداخته و وجود آن را در مقررات قانونی داخلی‌شان پذیرفته‌اند (سنهوری، ۱۹۹۸: ۱۱۳۸)؛ (مرقس، ۱۹۹۲، ج ۱: ۷۹۳ و ج ۲: ۴۷۴).

در برخی موارد سببیت مفروض دانسته شده است. در حقوق انگلیس و آمریکا به عنوان اعضای اصلی خانواده کامن‌لا در پاره‌ای حوزه‌ها مثل مسئولیت ناشی از تولید از مبنای تقصیر عدول شده و مسئولیت محض برقرار شده است. با این وصف در خصوص تولیدات دارویی و صنعتی اگر تولیدکننده هشدارهای لازم در مورد عوارض و عواقب مصرف را روی کالا درج نکنند فرض می‌شود که مسبب خسارت‌هایی است که به مصرف‌کننده وارد شده است. اما در مجموع فرض سببیت استثناء محسوب می‌شود. در حقوق فرانسه در قانون مدنی قاعده عامی در این خصوص در مسئولیت قراردادی وجود ندارد و سببیت لازم الایثبات است. اما رویه قضایی در بعضی موارد از جمله در مواردی که تعهد به نتیجه می‌باشد این فرض را پذیرفته است.

منابع

الف - فارسی

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید؛ *حقوق تعهدات*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲. بادینی، حسن؛ *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۳. بهرامی احمدی، حمید؛ *ضمان قهری (مسئولیت مدنی)*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۴. حاجی‌عزیزی، بیژن؛ *شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی و کارایی آن‌ها*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
۵. ره‌پیک، حسن؛ *حقوق مدنی، حقوق قراردادها*، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۶. ژوردن، پاتریس؛ *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه مجید ادیب، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۷. ژوردن، پاتریس؛ *تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی*، ترجمه مجید ادیب، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۸. شهیدی، مهدی؛ *اندیشه‌های حقوقی مجموعه مقالات حقوقی*، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۹. شهیدی، مهدی؛ *آثار قراردادها و تعهدات*، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۱۰. صالحی‌راد، محمد؛ «منطق‌گرایی در حقوق - بحثی در خصوص چگونگی انتساب خسارت بدنی به طرف قرارداد»، *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۳۷۷، شماره ۲۵.
۱۱. صفایی، سید حسن؛ رحیمی، حبیب‌الله؛ *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۲. صمدی‌اهری، محمدحاشم؛ *مسئولیت مدنی متصدی حمل و نقل دریایی*، روزنامه رسمی کشور، چاپ اول، ۱۳۷۳.